



وجود رابط و وجود محمولی از نظر آقاعلی مدرس طهرانی و علامه طباطبایی

عسکری سلیمانی امیری^۱

چکیده

وجود و موجود در یک تقسیم به وجود مستقل (وجود محمولی) و رابط تقسیم می‌شود. این تقسیم فرع بر آن است که وجود رابط، حقیقتی عینی بوده، با وجود مستقل در جامع وجود مشترک باشد. یکی از مشکلات در میان فیلسوفان این است که: اختلاف وجود رابط با وجود مستقل، نوعی است یا خیر؟ از نظر ملاصدرا، نه تنها اختلاف بینشان نوعی است، بلکه این دو به اشتراک در لفظ واحدند، ولی در عین حال در طبیعت وجود مشترک‌اند. ما در اینجا اثبات وجود رابط را از نظر آقاعلی مدرس طهرانی و علامه طباطبایی بررسی، و جهات اشتراک و اختلاف آنها و فروعات مترتب بر آن را بازگو می‌کنیم. همچنین نشان می‌دهیم تابعان ملاصدرا، از جمله آقاعلی مدرس طهرانی در مسئله اشتراک و عدم اشتراک وجود رابط و وجود مستقل (محمولی) با ملاصدرا همسو هستند و ادعای علامه طباطبایی مبنی بر اشتراک ذاتی این دو، با بیان ملاصدرا مبنی اختلاف ذاتی و نوعی این دو در تنافی نیست.

واژگان کلیدی: وجود رابط، وجود محمولی، وجود رابطی، آقاعلی مدرس طهرانی، علامه طباطبایی.

■ دانشیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1 solymaniaskari@mihanmail.ir



معاد جسمانی و تناسخ از دیدگاه آقاعلی حکیم

محمد تقی یوسفی

چکیده

آقاعلی حکیم با دغدغه کلامی ویژه‌ای مسئله معاد جسمانی را به لحاظ فلسفی بررسی می‌کند و با توجه به اصول صدرايي تقریری تازه و متفاوت از تقریر ملاصدرا از معاد جسمانی ارائه می‌کند؛ بر اساس دیدگاه ملاصدرا معاد جسمانی به تناسخ ملکی نمی‌انجامد؛ زیرا خبری از ماده و جسم عنصری نیست تا روح و نفس به آن تعلق گیرد و تناسخ روی دهد؛ ولی بر اساس نظر حکیم مؤسس جسم عنصری در سیر تکاملی خویش خود را به نفس می‌رساند و فرض تحقق تناسخ فرضی معقول به نظر می‌رسد؛ ولی با این حال حکیم مؤسس چنین لازمه‌ای را بر نمی‌تابد؛ زیرا بدن دنیوی انسان عنصری است؛ ولی با حرکت جوهری استکمالی، اشتداد می‌یابد و به مرتبه‌ای می‌رسد که نفس انسان به آن تعلق می‌گیرد و چنین پدیده‌ای تناسخ به حساب نمی‌آید؛ براین اساس فقط زمانی تناسخ روی می‌دهد که نفس به جسم عنصری دنیوی برگردد؛ در حالی که در معاد جسمانی چنین حادثه‌ای رخ نمی‌دهد.

واژگان کلیدی: معاد جسمانی، تناسخ، تناسخ ملکی، تناسخ متشابه، مدرس زنوزی.



تحلیل و بررسی «نظریه حیثیات» و «وجود رابط» نزد حکیم مؤسس، آقاعلی مدرس طهرانی

روح‌الله دارابی^۱ مهدی قائد شرف^۲

چکیده

نظرگاه آقاعلی مدرس در حل مسائل مطرح‌شده درباره «وجود رابط»، ناشی از مبانی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه دقیقی است که این جستار خواهان طرح شماری از آنهاست. علم، فهم، فطانت و بصیرت به حیثیات، حق ذاتی حکمت است و این مهم به‌دست حکیم زنوزی در رساله وجود رابط به بیانی شیوا تمکین می‌شود. از نتایج این جستار که از خلال توصیف تحلیلی آرای زنوزی به‌دست آمده، می‌توان به بهره‌گیری از قاعده «حیثیات» به‌عنوان روش متافیزیکی و عقلانی اشاره کرد که این امکان را برای آقاعلی مدرس طهرانی فراهم می‌آورد تا با اعمال این روش منحصربه‌فرد، از یک‌سو به جمع میان دیدگاه‌های گوناگون و حل مسئله فلسفی در پرتو علوم عقلی مختلف موفق شود و از سوی دیگر، دچار کاستی‌های قرائت‌های متضاد و تحلیل‌های خشک و تقلیل‌انگارانه منطقی و زبانی نگردد. ایشان با معرفی عقل به‌عنوان قوه «فعال تحلیل‌گر» و نیز اهمیت اعتبارات و لحاظ‌های ذهنی، موضعی در پیش می‌گیرد که حکیمان بعد از وی، آگاهانه یا ناآگاهانه از وی در حل مسائل عقلی پیروی کرده‌اند.

واژگان کلیدی: وجود رابط، وجود رابطی، معقول ثانی، حیثیات، حقیقت مجمل و مفصل.

roohallahdaraei@yahoo.com
madighaedsharaf33@gmail.com

■ دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران
■ دانش‌آموخته فلسفه تطبیقی دانشگاه علامه طباطبائی

جبر و اختیار از منظر مولانا جلال الدین محمد بلخی

حسن رضانی

چکیده

مسئله «جبر و اختیار» از مسائل دشوار در مباحث فلسفی و کلامی است که اندیشمندان و عالمان دینی در طول تاریخ، همواره با نگرش‌ها و رویکردهای مذهب مورد اعتقادشان درصدد بررسی آن برآمده‌اند. در این میان، در کلام اسلامی، اشاعره به موجبیت انسان و تفویض امور به خداوند معتقد شده‌اند و در مقابل، معتزله به اختیار انسان گراییده‌اند و کارهای انسان را تفویض یافته به او از جانب الهی دانسته‌اند. جلال الدین محمد بلخی، مشهور به مولانا در مثنوی معنوی ابیاتی دارد که برخی جبرگرایی و برخی دیگر مختار بودن انسان را از آن دریافته‌اند. در ادامه، با در نظر گرفتن تمامی ابیاتی که مولانا در زمینه جبر و اختیار دارد، به بررسی عقیده او در این خصوص خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: جبر و اختیار، اشاعره، معتزله، مولانا، مثنوی معنوی

حکمت صدرایی: الگوی فلسفی علم سیاست^۱

محمد پزشکی

چکیده

هدف مقاله حاضر آن است که آموزه‌های حکمت متعالیه را به علم سیاست وصل کند. همچنین درصدد آن است که چارچوب‌های معرفتی یک علم سیاست جدید را معرفی نماید. مدعای این نوشته آن است که دلیل علم‌شناختی ابتر بودن فلسفه اسلامی در قلمرو مطالعات اجتماعی - سیاسی، عدم توجه به تعریف الگوهای فلسفی به‌عنوان واسط میان حکمت متعالیه و علم سیاست است. بررسی موضوع حاضر بر اساس روش اسنادی بوده، از نتایج آن بررسی شاخه فلسفه علم سیاست و امکان تأسیس علم سیاست بر اساس آموزه‌های حکمت متعالیه است. دستاوردهای نوشته حاضر می‌تواند در فلسفه علوم اجتماعی و روش‌شناسی علوم اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حکمت متعالیه، الگوهای فلسفی، علم سیاست متعالیه، فلسفه علوم اجتماعی، روش‌شناسی علوم اجتماعی.

۱. این مقاله بخشی از پروژه‌ای است که با عنوان «درآمدی بر فلسفه علم سیاست بر اساس فلسفه اسلامی» در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی انجام می‌شود.

mohammadpezeszki@isca.ac.ir

■ دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

کیفیت معاد جسمانی در دیدگاه علامه محمدحسین غروی اصفهانی

محمدرضا ارشادی نیا^۱

چکیده

ترسیم کیفیت معاد جسمانی، از معضلات باورهای دینی است که از دیرباز مورد بررسی دین‌باوران بوده و اندیشمندان این حوزه را به دو قطب متقابل کشانده است. برخی معاد جسمانی را به کلی انکار کرده و در مقابل برخی به انحصار معاد در معاد بدنی روی آورده‌اند. اصول حاکم بر معرفت نفس در هر دیدگاه، زاویه افتراق را با دیدگاه دیگر استوار ساخته و سبب تنوع آرا گشته است. در نظام حکمت صدرایی، اصولی پی‌ریزی شده تا با هماهنگی متون دینی، بیان کیفیت توجیه‌پذیر شود. حکیم مؤسس، آقاعلی مدرس با احساس در انداختن طرحی نو، با رویکرد «بدن پویا به سوی نفس»، به نظریه خاصی درباره معاد بدن پرداخت. طرح وی مورد استقبال صاحب‌نظران قرار نگرفت، ولی از سوی برخی پذیرفته و تأیید شد. از آن جمله علامه محمدحسین غروی اصفهانی است که به تبع استاد و با توجه به درون‌مایه‌های حکمت متعالیه، در وجیزه‌ای به احیای نظر استاد خود پرداخت. این وجیزه از آن نظر اهمیت دارد که می‌کوشد با مرتب‌سازی نوین از اصول حکمت صدرایی، نظریه آقاعلی حکیم را با ابهام کمتر و تلخیص بیشتر توجیه‌پذیر کند. نظر وی در بخش مبانی با زمینه صدرایی و در بخش رهیافت‌ها با پیشینه رهیافت‌های استادش آقاعلی مدرس نمود دارد. آمیزه‌ای از مبانی متعالی و پایبندی به مواضع کلامی، رهاوردی نو برای پردازش کیفیت معاد جسمانی در منظر علامه اصفهانی است.

واژگان کلیدی: معاد جسمانی، صدرالمتألهین شیرازی، حکیم آقاعلی مدرس، علامه محمدحسین غروی اصفهانی.

■ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه سبزوار mrrershad@chmail.ir

معناداری و بی‌معنایی زندگی

احمد محمدی احمدآبادی^۱

چکیده

معنا و هدف زندگی، یکی از پرسش‌های اساسی است که در طول تاریخ حیات انسان مطرح بوده است. انسان در مقابل بزرگ‌ترین پرسش زندگی، که همان فلسفه و هدف زندگی است، پیوسته به دنبال پاسخی منطقی و قانع‌کننده است. در مقام پاسخ، فیلسوفان درباره معنا و نیز هدف زندگی، تبیین و تفسیرهای گوناگونی ارائه داده‌اند. برخی از این تفسیرها مادی‌گرایانه و برخی، پنداری و خیالی است و گروهی از فلاسفه، زندگی را پوچ و بی‌معنا می‌دانند. در مقابل، دسته‌ای از فیلسوفان، معنای زندگی را در خداآوری و بندگی می‌جویند و تحقق آن را در مقام عمل به بندگی می‌دانند. در این مقاله برآنیم تا معنای معناداری زندگی را از نظر اسلام تبیین کنیم و مبنای تفکر پوچی را که از سوی برخی از متفکران غربی ارائه شده است، نقد و هدف‌مندی جهان و معناداری زندگی انسان را از منظر هستی‌شناسی اثبات نماییم. هدف در این تحقیق اثبات معناداری زندگی و نقد تفکر پوچی است.

واژگان کلیدی: زندگی، معناداری، معنای معناداری زندگی، معنای پوچی زندگی.

استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1 a.ahmadabady@gmail.com

نحوه استناد: محمدی احمدآبادی، احمد (۱۳۹۵). «معناداری و بی‌معنایی زندگی». فصلنامه حکمت اسلامی، ۳ (۳)، ص ۱۵۵-۱۷۷.